

گزارش

درحالی که در آن سوی مرزها، رسانه‌های مشهور به کمک شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان آمدند و در مقابل مردم ایران صف‌آرایی کردند، برخی در داخل، در پی آن هستند تا با هرچه تنگ‌تر کردن حلقه رسانه ملی عده‌ای خود معذور در آن جای گیرند و صدا و سیما را به شکلی خود خواسته از ظرفیت‌ها محروم سازند. به گزارش فارس، ماجرای این روزهای صداوسیما، از «اِن‌ور ما» بدون پهل و با فحش خوردن برنامه ساختیم اما «اِن‌ور آن‌ها» سلبریتی‌ها را برای ورود به صداوسیما گرم می‌کنن، شروع شد. بعد از انتشار شایعاتی مبنی بر حضور مجدد برخی چهره‌های مشهور به تلویزیون و قبول گلزار به یکی از هواداران‌ش مبنی بر بازگشتش به تلویزیون با مسابقه «پانتومیم»، یکی از مجریان تازه‌کار اما خلاق تلویزیون به این موضوع واکنش نشان داد.

محمدرضا شهبازی، مجری برنامه «پاورقی» و «سیدخندان» شبکه ۲ در توییتهی نوشت: «ما اینور پاورقی میسازیم، میگیم سلبریتی‌ها باید در خدمت رسانه باشن، هماهنگ با سیاست‌های نظام باشن، باید با سلبریتی‌ای که وسط شلوفی‌ها آب به آسیاب دشمن می‌ریخت برخورد بشه، بعد اون ور گلزار و رشیدپور دارن گرم میکنن برگردن روی آنتن، این ور بچه‌ها با بی پولی ساختن، فحش خوردن…» توییتهی که واکنش‌هایی را در پی داشت و حتی رضا رشیدپور در پاسخ به شهبازی توییت کرد: «سلام عزیز. می‌دونسی صداوسیما بیش از ۵۰هشکبه تلویزیونی داره. اصلا فرض کن من یک روزی برگردم شبکه سه. شما هنوز می‌توننی در بیش از ۴۹ شبکه دیگه توییت‌های مردم رو بخونی و خندان باشی. نگران نباش.»

این مشاجره توییتهری در همان فضای کنایه‌آمیز اما محترمانه ادامه داشت تا یکی از مدیران شبکه سه با ادبیاتی به غایت غیرمودبانه به مجری شهبازی تاخت و با استناد به آخرین نظرسنجی سازمان، آمار پایین مخاطب برنامه دیگر شهبازی را زیر سؤال برد.

دایره را محدود نکند

فارغ از این دعواهای بجه‌گانه توییتری که باید در جلسات و نشست‌های درون سازمانی نل و فصل شود، این موضوع باز دیگر ضرورت یک نگاه فراسازمانی و فراجتاحتی را گوشزد می‌کند. همواره مدیران بالاترته نظام و روسای سازمان صداوسیما بر توجه به سلیاق

رسانه ملی باید ملی بماند

هر دو طرف تنگ‌نظر نباشند



مختلف تاکید کرده‌اند اما رویکردی که در این سال‌ها شاهدش هستیم، تنگ‌تر کردن حلقه گرایش‌های مختلف در جام‌جم است.

این رویکرد رقابت شبکه‌های داخلی در به اختیار گرفتن بازیگران در سریال‌ها، یا اغفوی مهمانان در جشن‌هایی مانند سال تحویل که سودی جز بالا بردن دستمزد و هزین‌ها ندارد باید یک روزی پایان‌پذیرد و شبکه‌ها هم به این درک برسند که همه آن‌ها مانند انگشتان دست می‌مانند که هر کدام در جای خودشان باید قرار بگیرند و ایفای نقش کنند.

صداوسیما باید رسانه ملی بماند

صداوسیما باید رسانه ملی باشد و رسانه ملی بماند. همه سلیاق مختلف به شرط رعایت و احترام به قوانین کشور، باید در آن حضور داشته باشد. نمی‌توان همه را یکدست کرد و همه را ملزم به دیدن یک تیپ برنامه کرد؛ رویکردی که در سال‌های اخیر شاهد شکست آن هم بودیم. نمی‌توان تنها برای یک قشر و یک فکر خاص تولید محتوا کرد و بقیه جامعه را نادیده گرفت. باید به مجریان و بازیگران و برنامه‌سازان معتقد به جمهوری اسلامی اما با گرایش مختلف میدان داد. اگر چهره‌ای قوانین کشور را قبول دارد و به آن احترام می‌گذارد، آرامش، آینده و امنیت مردم کشورش

سیاست‌روز

جای خالی مدیران هنرمند دوست

چندین سال پیش یکی از برنامه‌های اینترنتی که بسیاری از هممانانش به چهره‌های ممنوع‌التصویر در صداوسیما اختصاص داشت، نکته‌ای که بسیاری از هممانان علی‌رغم ناراحتی از این اتفاقاتی که برایشان افتاده بود بر آن تاکید داشتند، این بود که در همان روزهای سخت، یکی از مدیران ارشد صداوسیما که با آن‌ها ارتباط نزدیک هم داشت پیگیر حل مشکلاتشان بود. موضوعی که در این سال‌ها بسیار جای خالی آن حس می‌شود.در این سال‌ها کمتر مدیری پیدا می‌شود که هنرمندان و احساسات‌شان را بشناسد و با آن‌ها رابطه عاطفی داشته باشد حتی برعکس، برخی مدیران در کنار گذاشتن چهره‌ها با هم رقابت گذاشتند.

هیچ پدري فرزندان‌ش را رها نمی‌کند

یکی از خاتم‌های بازیگر چند سال پیش در تلویزیون به صراحت گفت که تنها مهارت ما بازیگری است و اگر به من یزای را اجرا نرسد با توجه به شهرتی که دارم در بسیاری از مشاغل هم به من کار نمی‌دهند چرا که نظم آن‌جا به هم نمی‌ریزد.

در نمونه دیگر وقتی از چهره دیگری که به فروش املاک خارج از کشور در شبکه‌ای اجتماعی روی آورده بود دلیل این موضوع را سوال کردند وی علت را نه احتیاج به پول تبلیغات آن بلکه نیاز به دیده شدن دشمنان نشدند.

این یک روی سکه است و روی دیگر آن نیاز مردم به دیدن چهره‌های مشهور است؛ چهره‌هایی که شهرت و اعتبارشان را هم از خود صداوسیما گرفتند. از برنامه‌های ضبطی کم مخاطب شروع کردند و پله پله‌های سازمان را بالا رفتند و حالا به یک برند تبدیل شدند اما حالا به واسطه برخی کج سلیقگی‌ها هم خودشان از آنتن محروم هستند و هم مخاطبان از دیدن آن‌ها. واقعیت این است که هیچ پدري فرزندان‌ش را که یک عمر برایش زحمت کشیده و به یک جوان رعنا تبدیل شده رها نمی‌کند مگر گناه نابخشودنی کرده باشد که هیچ راهی برای بازگشتش وجود نداشته باشد؛ سازمان صداوسیما هم به عنوان یک پدر باید فرزندان خلفش که سال‌ها برایشان هزینه شده را دور هم جمع کند و بیش از پیش مهمان خانه‌ها شود.

«سلول شخصی»، نمایشی از تقابل خیر و شر

علی کلانتری

این روزها مجموعه تئاتر شهر میزبان نمایش با عنوان «سلول شخصی» است. این تئاتر که از تاریخ ۸ مرداد به روی صحنه رفته، روزهای پایانی اجرائیش را پشت سر می‌گذارد و بنا به گفته عوامل این نمایش، ۲۲ مرداده، آخرین اجرا روی صحنه خواهد رفت.

نمایش سلول شخصی با نویسندگی و کارگردانی امیرحسین آلا‌د پو‌ش با همراهی سید مرتضی هاشمی در نقش متن اثر، به بخش دیگری از فنرهای نمایشی یعنی تعزیه هنر نیز می‌پردازد. در این اثر کامران تفتی، مجید نوروزی و جلیل فرجاد هنرمند پیشکسوت عرصه بازیگری روی صحنه می‌روند. امیر حسین آلا‌د پو‌ش کارگردان و نویسنده این نمایش که حدود ده سال است در گونه‌های نمایشی‌های ایبیتی و مذهبی در گروه فرهنگی هنری «مسلم» فعالیت می‌کند، تاکنون، در نمایش‌های «رولت روسی»، «چرتکه»، «ایستگاه متروک»، «سپاهیان آتش» و… بازی کرده و در اثری از جمله «روزی روزگاری جوشن»، «معمای مطران» و «پرشان»، در جایگاه کارگردان ایستاده است. این نمایش، نگاهی نقدگرانه به اندیشه‌ای دارد که باعث می‌شود تا گروهی از مذهبیین، خود را بر بازوهای بلند حقانیت پندارند و از بالای این برج و بارو، دیگر افراد جامعه را نهنها از خود، بلکه از مراسم مذهبی و به‌طور کلی از دین طرد کنند. سلول شخصی آن‌چنان که در نامش برمی‌آید در فضایی زندان گونه طراحی شده و نباید از آن انتظار میزاسسن و طراحی صحنه چشم‌گیری را داشته باشم. چند نیود را طرح میله‌های زندان با یک تخت درون سلول و یک میز، تنها اکسسوارهایی است که طراح صحنه این نمایش برای روی صحنه بردن این تئاتر تدارک دیده است. اگر برای دیدن تئاتری شلوغ و پر کاراکتر و پر ورودا قصد دارید به تماشاخانه یا سالن تئاتر بروید قطعاً سلول شخصی نمی‌تواند گزینه خوبی برای شما باشد؛ سلول شخصی نمایشی است از درون کراکتری که سال‌های سال با تفکراتش درگیر است و در پی فرار از خود می‌باشد.

کامران تفتی در نقش خیلی که در این‌نمایش نیز مثابه کارهای قبلی‌اش تمام توان خود را برای به کمال رساندن کاراکترش، به کار می‌گیرد یکی از نقاط قوت این اثر نمایشی است. تفتی با حضور موثر و همچنین با تمام توان سعی کرده که با دیالوگ‌های تأثیرگذار و طولانی علاوه بر در دست‌گرفتن صحنه، تماشاگر را نیز با خود همراه کند و در مواقعی حتی اجازه نفس‌کشیدن را نیز از آنها بگیرد. در دوره‌ای که بازیگران دست‌چندم بدون داشتن هنر بازیگری خاصی با بازی در فیلم و سریال‌هایی که این روزها به‌صورت کلیویی در پلتفرم‌های نمایش خانگی در حال اکران است، مطرح می‌شوند، کار تفتی در این نمایش به‌شدت گیر است و اگر واقعاً به حرفه بازیگری علاقه داشته باشید قطعاً بازی کامران تفتی در نمایش سلول شخصی می‌تواند کلاس بازیگری با کمترین هزینه برای علاقه‌مندان باشد. کامران تفتی که پیش‌ازاین در نمایش‌هایی با عنوان «چفت» و «گل به خودی» اخیراً هنر خود را به تماشاچیان عرضه کرده بود و از قضا خوش هم درخشیده بود توانسته در این کار نیز خوش بدرخشد و تماشاچسانی زیادی را نیز در اکثر شب‌های اجرا به سالن اصلی تئاتر شهر بکشاند. مجید نوروزی که اخیراً او را در سریال‌هایی همچون سیاه‌چاله و فیلم در حال اکران مصلحت دیده‌اید هم در نمایش سلول شخصی توانسته کارنامه بازیگری را خود را بیش‌ازپیش ارتقا ببخشد. نوروزی که در فیلم مصلحت و چندین فیلم سینمایی دیگر در سال‌های اخیر توانسته بود قابلیت‌های خود را به رخ بکشد این بار با بازی بی‌نقص در مقابل کامران تفتی توانسته بود زوج نمایشی خوبی را رقم بزند. بازی بدن، شوخی‌های به جا و قدرت بالا در دیالوگ گوئی و اکت‌های درست همه در تکمیل اثر خوب آلا‌د پو‌ش بود و قطعاً از تشویق‌های بی‌امان تماشاچی‌ها در پایان نمایش می‌توان فهمید که تیم نمایشی کار خود را به‌درستی انجام داده‌اند. جلیل فرجاد بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون هم نیز در این اثر به ایفای نقش می‌پردازد، هرچند کوتاه ولی تأثیرگذار، فرجاد که سبقه خوبی در امر بازیگری تئاتر دارد با اضافه‌شدن به ترکیب جوان تفتی و نوروزی به‌خوبی توانسته بود از پس کار بربیاید.

با اینکه عده‌ای در فضای مجازی به این نمایش از لحاظ محتوایی تاخته بودند؛ ولی در واقعیت امر این‌گونه نبود؛ عده‌ای بسا در بوق‌وکرن‌ا کردن، اثر را صرفاً تعزیه خواننده بودند و با گله از عوامل تبلیغاتی تئاتر، اعتقاد داشتند اثر ضعیف و دودستی را به مخاطبان ارائه داده‌اند.سلول شخصی را اگر بخواهیم در چند جمله خلاصه کنیم و هم‌زمان از اسسویل هم بر حذر باشیم باید بگوییم؛ سلول شخصی داستان درگیری شخصی فردی با خودش در طول سالیان دراز و تقابل خیر و شر است. تقابل عقابت‌بخیر و شر شدن، داستان پرسش‌ی که به خوانندگی علاقه دارد درصورتی‌که پدر وی تعزیه‌خوان است و علاقه دارد که پدرش در مسیر وی گام بردارد. صرفاً تعزیه خواندن این اثر و ندیدن زیبایی‌های هنری و نمایشی آن به‌دور از انصاف است. بازی‌های به حق به‌اندازه، دیالوگ و متن نمایشنامه بی‌نظیر و پرهیز از زیاده‌گویی در مقابل میزانشن کاملاً در خدمت بازیگر همه از نقاط قوت این اثر نمایشی است.با یک جمع‌بندی و اجتناب از توضیح بیشتر در خصوص این نمایش، توصیه می‌شود علاقه‌مندی که به نمایش‌های درام و پرمتخوات اقبال بیشتری دارند در روزهای آخر به تماشای این اثر نمایشی بنشینند و از دیدن آن لذت ببرند.

فرهنگ و هنر

دریچه

قصه «سوران» چگونه به سر رسید؟

پخش سریال «سوران» به کارگردانی سروش محمدزاده در حالی پس از ۱۸ قسمت به پایان رسید که بازخوانی نکات مرتبط بسا این پروژه می‌تواند به تجربه‌هایی ارزشمندتری در آینده بینجامد.

بسه گزارش مهر «سوران» به پایان رسید و در ۱۸ قسمت روی آنتن رفت اما قصه این سریال، کاراکتری که از یک قهرمان مبارز تصویر کرد و داستانی که از تکه‌تکه شدن ایران به دست کومله و گروهک‌های مختلف نشان داد می‌تواند ابتدای مسیری باشد که تلویزیون بیش از اینها سراغ روایت و به تصویر کشیدنشان برود.

«سوران» جزو معدود سریال‌هایی بود که درباره کردستان اواخر دهه ۵۰ ساخته شد، به همین منطقه رفت و سریال را از همین زاویه روایت کرد و یک شخصیت واقعی را هم محور قصه‌اش قرار داد. سریالی که به همت سازمان سینمایی سوره ساخته شد و سپس به پخش تلویزیونی راه یافت.

امیر سعیدزاده معروف به سعید سردشتی مبارز قهرمانی است که در این سریال با نام «سوران» به بخش‌های مهمی از زندگی او پرداخته شد. شخصیتی که در طول زندگی خود یک بار مورد پیگیریند ساواک قرار می‌گیرد فرار می‌کند و اسارت کومله درمی‌آید. او جزو معدود کسانی است که می‌تواند از دست کومله فرار کند. بعد از این در زمان جنگ تحمیلی یک بار دیگر به اسارت درمی‌آید و این بار اسارت او سال‌ها طول می‌کشد.

قابل پیش‌بینی بود که روایت چنین قصه‌ای با واکنش‌های دشمنان کشور و تجزیه طلبان هم مواجه‌ شود که از زمان پخش سریال و اوج‌گیری آن در قسمت‌هایی که چهره واقعی گروهک‌های کومله و دموکرات کردستان کرد می‌پرداخت این سنسگاندان‌زین‌ها در فضایی مجازی و توییتر هم افزایش پیدا کرد. حتی در مقطعی خواستار توقف پخش سریال بودند و با تاشی مذبوحانه سعی در تفرقه افکنی و ایجاد شکاف بین قوم کرد بودند.

اکنات‌های تجزیه‌طلب در توییتر بسا جملاتی از قبیل «سریال دروغین» یا «نگذارید فرزندان‌قتل این سریال را تماشا کنند» به این سریال واکنش دادند و تلاش بسیاری کردند تا به‌واسطه فضا سازی حتی جلوی ادامه پخش سریال را گرفتند که البته به هدف خود نرسیدند. همین واکنش‌ها را البته می‌توان به این حساب گذاشت که هدف گذاری خالقان این سریال درست بوده و به‌خوبی هم توانسته‌اند به هدف خود برسند.

«سپار جذاب تهیه شده است؛ هم خود سرگذشت این جوان آزاده کرد جذاب است و هم نوع نگارش صریح و کوتاه و بی حاشیه کتاب. با اینکه نیروهای مبارز کرد طرفدار جمهوری اسلامی را از نزدیک دیده و شناسخته‌ام، آنچه از فداکاری‌های آنان در این کتاب آمده برایم کاملاً جدید و اعجاب‌آور است» این بخشی از تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «صصرهای کریسان» است. کتابی که خاطرات امیر سعیدزاده است که کیانوش گلزار،راغب آنها را به نگارش درآورده است. این کتاب در ۲۷ فصل روایت و توسط انتشارات سوره مهر چاپ شده است که زندگی پر فراز و نشیبی از خاطرات امیر سعید زاده و اسارت‌های او در دل زندان‌های کریسکان را روایت کرده است.

قصه سریال که توسط عباس ریاحی فیلمنامه آن به نگارش درآمد در عین اینکه روایتی انقلابی و حماسی دارد اما به خوبی توانسته بستری عاشقانه رقم بزند از عاشقانه‌ای که بین امیر سعیدزاده قهرمان کرد با نامزدش شکل می‌گیرد و از دیالوگ‌های کلیشهای در چنین فضایی دور می‌شود تا احساسات و عاطفی که بین هر اعضای یک خانواده در سریال وجود دارد و دوگانگی و دودستگی‌هایی را که کومله در میان خانواده‌ها و مردم شهر ایجاد می‌کنند به خوبی نمایش می‌دهد. از کسبنتی بی گناهان وسط ضروری در شهر گرفته تا ریختن خون کسانی که زمانی همسر و عزیز بوده‌اند.

پایان‌بندی قصه هم از امتیازات سریال است هم به نوعی حسن ختامی بر ۱۸ قسمت از سریال شد که یکی از بنیان کشتنارهای سریال را به سرانجام خود رساند هم نشان داد افراد کومله فرار کرده‌اند و هنوز که هنوز است می‌توانند آسیب‌زا و خطرناک باشند آنچنان که در تاریخ هم همین گونه بوده است. از طرفی سوران قهرمان سریال وقتی از همه دغدغه‌ها مبارزه‌ها رهایی می‌یابد و می‌خواهد ساعتی را با همسرش خلوت کند حسام محمودی که نقش یکی از فرماندهان این سریال را دارد دوباره او را برای ماموریتی جدی‌تر و فراتر از کردستان فرا می‌خواند. سوران با سعید سردشتی این بار برای جنگ تحمیلی ایران و عراق فراخوانده می‌شود و پایان سریال با آغاز بمباران عراق بر ایران همراه می‌شود.

یکی از مهمترین دستاوردهای تلویزیون در همه دهها معرفی استعدادها و چهره‌های جدید است. چهره‌هایی که به واسطه حضور در یک سریال پربیننده گاهی به ستاره‌های نوظهوری برای سینما بدل شدند و امتیاز ویژه‌ای برای خود تلویزیون محسوب شده است.

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گوهانه وزارت نوسه مدیریت و منابع

آگهی ابلاغ رای

نظر به اینکه پرونده تخلفاتی آقای پیمان امینی بازیانی – در هیات بدوی رسیدگی

به تخلفات اداری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه مطرح و منتج به صدور

رای گردیده است. اما رای مذکور با وصف رعایت تبصره ۱ ماده ۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری به دلیل عدم دسترسی به آدرس مشارالیه تا کنون میسر نشده است.

لذا به استناد ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی به نامبرده اعلام می گردد حداکثر

ظرف مدت یک ماه پس از انتشار آگهی جهت رؤیت برای رای به آدرس مدیریت

منابع انسانی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمانشاه واقع در

بلوار شهید بهشتی جنب مرکز تحقیقاتی ، آموزشی درمانی قلب و عروق امام علی(ع)

مراجعه نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور موضوع ابلاغ شده محسوب

و دانشگاه طبق قانون به موضوع رسیدگی تصمیم لازم و مقتضی اتخاذ خواهد نمود.

م / الف ۱۵۰۴

طالع کرمپتی

طالع ترسسته دکتوریته و طنایع

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پراید مدل ۱۳۷۹ رنگ سفید شیرازی روغنی به شماره موتور: ۰۱۹۲۶۲۲ + ۵ به شماره شاسی: S141227966192 به شماره پلاک ایران ۹۶ – ۵۸۴ د ۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

برگ سبز خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۸ رنگ توک مدادی متالیک به شماره موتور: ۰۳۹۶۳۵۶ + ۳ به شماره شاسی: S1412288322400 به شماره پلاک ایران ۱۶ – ۹۲۳ ۷۴ ل مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

برگ سبز موتورسیکلت سیستم تیزرک رنگ مشکی مدل ۱۳۹۰ به شماره موتور: NAAR03FE1N581126 به شماره شاسی: ۱56FMINC2010135450 NCV ، به شماره پلاک ایران ۴۹۸ – ۷۱۲۵۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

برگ سبز و سند کمپانی موتورسیکلت سیستم کبان رنگ آبی مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ایران ۱۴ – ۶۱۵۴۵ + ۲ به شماره موتور: 0124NE2932055 به شماره تنه: NAAR03FE1N581126 ۷۲۴ ۵۸۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

برگ سبز خودرو سواری شاهین مدل ۱۴۰۲ رنگ مشکی روغنی به شماره موتور: M15TC / ۲۰۷۱۲۹۰ به شماره شاسی: NAS11100P1069618 به شماره پلاک ایران ۱۶ – ۶۶۶ + ۷۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

برگ سبز خودرو سواری پژو ۲۰۷ مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۹۱ – ۶۱۵ ی ۱ به شماره موتور: 174B0053731 به شماره شاسی: NAAR03FE1N581126 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

کمک کنین تا قذ قلك محك به هزینه دارو بر سه

mahak-charity.org

جهت دریافت رایگان قلك درب منزلتان

با شماره ۰۲۱۲۳۳۵۴۰ تماس بگیرید



محک

مستوسه خیریه به حمایت از کودکان مبتلا به سرطان

